



پخش سریالی درباره بورس از ۲ شبکه رادیویی

از روز شنبه دهم آبان سریال «ساختمان شیشه‌ای» با موضوع بازار بورس به کارگردانی بهرام ابراهیمی پخش می‌شود. به گزارش جام جم، از روز شنبه دهم آبان سریال «ساختمان شیشه‌ای» با موضوع بازار بورس به کارگردانی بهرام ابراهیمی، هنرمند پیشکسوت رادیو، تئاتر، تلویزیون و سینما از دو شبکه رادیویی اقتصاد

گفت‌وگو با محمدرضا خردمندان، کارگردان سریال

شگفت‌زده‌تان می‌کنیم

محمدرضا خردمندان نویسنده و کارگردان، نخستین فیلم بلندش را سال ۹۵ به نام بیست و یک روز بعد ساخت و توانست نامزد بهترین فیلم از نگاه تماشاگران را در بخش مسابقه سودای سیم‌رغ سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر را به دست بیاورد. او کارگردانی فصل‌های یک و سه سریال از سرنوشت را به عهده داشته‌است. درباره فصل سوم این مجموعه با او گپ‌زده ایم که در ادامه مطالعه می‌کنید. او تأکید کرده که مخاطبان با تماشای این سریال حتما غافلگیر خواهند شد و شاهد یک مجموعه اجتماعی با رگه‌های عشق و خانواده خواهند بود.

❖ شما کارگردانی فصل اول سریال از سرنوشت را انجام دادید و بعد سراغ فصل سوم این سریال رفتید، چطور از کارگردانی فصل دوم انصراف دادید و دلائل پذیریش فصل سوم چه بود؟ ما قصه‌ای داشتیم که سه فصل داشت و می‌شد متفک ساخت. به همین دلیل از ابتدا بنا بر این شد که با سه کارگردان این سریال ساخته شود. یعنی از ابتدا این برنامه‌ریزی انجام شد که کارگردانی هر فصل به عهده یک نفر باشد و تجربه جدید کسب کنیم که می‌توان یک سریال ۶۰ قسمتی را در یک زمان مشخص و با سه گروه جمع کرد، ولی مشکلات مالی و دیگر مسائل باعث شد که



فاطمیما بهارمست از حال و هوای «نغمه» می‌گوید

حالا همسن نغمه شده‌ام

پر از اتفاق است. گرچه همچنان محور قصه هاشم و سهراب است اما بقیه شخصیت‌ها در قصه پرداخت بیشتری نسبت به فصل دوم دارند. این بازیگر با اشاره به این‌که تم قصه این فصل از سریال از سرنوشت دیگر شیرین نیست، توضیح می‌دهد: فصل سوم پر از گره است و مخاطبان هر چند قسمت می‌توانند شاهد اتفاقاتی باشند که اصلا فکرش هم نمی‌کردند. اتفاقات در این فصل از قصه بسیار



کیسان دیباج از ۳ فصل همراهی با سهراب می‌گوید

تغییر کارگردان، یک چالش مثبت است

او با اشاره به روند پیشروی داستان در این سری می‌افزاید: ریتم داستان خیلی تندتر و اتفاقات هم با سرعت بیشتری رخ می‌دهد. از سوی دیگر از سری‌های قبل همچنان چالش‌هایی به خصوص در زندگی سهراب وجود دارد که در ادامه علاوه بر آنها درگیری‌های دیگری هم رخ می‌دهد. در این فصل، محمدرضا خردمندان که کارگردانی سری اول از سرنوشت را به عهده داشت، مجددا بازگشته‌است، این تغییر به هر حال تا حدی می‌تواند روی کار گروه و بازیگران هم تأثیرگذار باشد. جبرانی که دیباج درباره‌اش می‌گوید: درست است که در این چند فصل جابه‌جایی‌هایی را در زمینه کارگردانی داشتیم اما نکته‌ای که وجود دارد این‌که از ابتدا ساختار یک شکل نوشته و طراحی شده بود به همین دلیل هر دو کارگردان در یک مسیر و براساس همان ساختار پیش رفتند و این سری هم چنین جریان‌ی ادامه دارد. با همه اینها

ما لطمه‌ای هم خورده‌است، زیرا فاصله زمانی میان پخش فصل دوم و سوم زیاد شده‌است. این فاصله یک‌ساله باعث شده تا برخی از جزئیات از یاد مردم برود. پیشنهاد ما این بود که هفته اول اختصاص به تکرار فصل‌های یک و دو داشته باشد اما متأسفانه موافقت نشد و قسمت اول فصل سوم روی آنتن رفته‌است. پخش خلاصه فصل‌های اول و دوم کمک می‌کردند که بینندگان تداوم حسی در روایت قصه را از دست ندهند.

❖ بازیگران این فصل از قصه تغییراتی هم نسبت به فصل دوم داشته‌است؟

همان بازیگران فصل دوم همراه گروه برای فصل سوم بودند. فقط بازیگر نقش آرزو تغییر کرد که در فصل سوم این شخصیت را موناکرمی بازی می‌کرد.

❖ کارگردانی فصل دوم به عهده شما نبود و طبیعی است که در انتخاب خیلی از بازیگران نظر شما دخیل نبود، برایتان سخت نبود که با همان بازیگران کار کنید، زیرا هر کارگردان دیدگاه خودش را دارد؟

نه، برای چه مشکل داشته باشیم ضمن این‌که ۷۰ درصد بازیگران سه فصل مشترک بودند و بازیگران نقش‌های هاشم، سهراب و چند نفر از دیگر بازیگران به گروه ملحق شدند؛ ضمن این‌که از آنجایی که پیش تولید فصل اول و دوم با هم انجام شد و من و آقای بذرافشان در یک دفتر مشترک کار می‌کردیم، به همین دلیل اغلب بازیگران را با هم انتخاب کردیم. به هر حال تجربه تازه‌ای بود و برای صنعت سریال ساختن مهم است که برخی مواقع به تفاهم‌هایی برسیم، زیرا می‌تواند نتایج بهتری را به دنبال داشته باشد.

❖ در این فصل از قصه، بیشتر قصه‌ها تم اجتماعی دارند یا خانوادگی؟

تم غالب این فصل از سریال از سرنوشت، اجتماعی است اما رگه‌های عشق و خانواده هم هست. همچنین به مسائل رفاقت و فراز و نشیب‌های این موضوع می‌پردازیم. علاوه بر آن موضوعاتی همچون بلندپروازیا‌ها و جاه‌طلبی‌ها هم در این سریال طرح می‌شود.

و نمایش پخش می‌شود. «ساختمان شیشه‌ای» به نویسندگی محمدامین رهبر درباره حال و هوای این روزهای بازار بورس و تأثیر آن بر زندگی مردم ایران است. «ساختمان شیشه‌ای» در شش قسمت به نویسندگی محمدامین رهبر، کارگردانی بهرام ابراهیمی، تهیه‌کنندگی مهدیه تقی‌زاده و با هنرمندی قربان نجفی، ناهید

فاطمه شهیدوست
فاطمه عودباشی

رسانه

«از سرنوشت» که حالا تا اسمش می‌آید ما را یاد سهراب و هاشم این قصه ادامه‌دار می‌اندازد، این شب‌ها فصل تازه‌ای از

زندگی این دورقیق را روایت می‌کند. مجموعه‌ای که محمدرضا خردمندان کارگردانی و اکبر تعویلیان هم تهیه‌کنندگی آن را به عهده دارد. اصل قصه را هم که احتمالاً یادتان هست، داستانی از جنس رفاقت که با اتفاقات زیادی حول زندگی این دو نفر همراه می‌شود؛ دو نفری که از پرورشگاه با هم بزرگ شدند، کار پیدا کردند، عشق را دیدند و تجربه کردند و با چالش‌های مختلفی دست و پنجه نرم کردند.

در این سری هم شاهد به سرانجام رسیدن خیلی از اتفاقات فصل‌های قبل خواهید بود، قصه‌های ناتمامی که به اوج خودشان می‌رسند و داستانک‌های جدیدی که شخصیت‌ها را با چالش‌های جدیدی روبه‌رو می‌کنند و باعث می‌شوند که کار را با روند تندتر و رخداد‌های بیشتری نسبت به قبل پیش برود. سهراب و هاشم امروز دیگر نوجوان نیستند و فصل تازه‌ای از زندگی را تجربه می‌کنند؛ روندی که با هم بدون تلخی نیست اما شیرینی‌هایش هم کم نخواهد بود.

شروع این سریال باعث شد تا برای باخبر شدن از حس و حال این فصل سراغ عوامل و بازیگرانش برویم و کم و کیف ادامه این داستان را از زبان آنها جویا شویم.

آنچه گذشت

از آنجاکه این سریال جزو مجموعه‌های ادامه‌دار و به هم پیوسته است، بد نیست نگاهی به گذشته‌ها و شروع این مجموعه داشته باشیم.

فصل اول: داستان فصل اول از جایی شروع شد که زنی به نام مهلقا از زندان آزاد شده و به دنبال پسرش، سهراب می‌گردد. سهراب هم توسط یکی از اقوام همسر این مادر، به پرورشگاه سپرده شده‌است و آنجا با هاشم رفاقت صمیمی پیدا می‌کند. به واسطه همین ارتباط، تا متوجه به دردسر افتادن رقیقش می‌شود، خانواده‌ای که او را به فرزندی قبول کرده رها می‌کند تا پیش هاشم برگردد و او را از مخصصه‌ای که درگیرش شده، نجات دهد. خلاصه آن‌که در همین فصل اتفاقات زیادی برای این دو کودک که اغلب داستان آنها در دهه ۸۰ می‌گذرد، رخ می‌دهد. جریان‌های دراماتیکی که هر کدام به شکلی قصه را پیش بردند. از تلاش برای پیدا کردن مادر گمشده گرفته تا سرطان، جلوگیری از درگیری هاشم با یک مواد فروش و....

فصل دوم: در فصل دوم این سریال ما با لوکیشن و فضایی دیگر و این بار در دهه ۹۰ مواجه می‌شویم. در این فصل، هشت سال از زمان فصل اول می‌گذرد و دیگر خبری از دو کودک ۱۱ ساله به نام سهراب و هاشم نیست بلکه آنها نوجوان شده‌اند و دیگر باید پرورشگاه را ترک کنند. در این سری شخصیت‌های تازه‌ای مثل خاله پوری و دخترش هم به قصه اضافه شد و شاهد عشق نوجوانی این دو رفیق بودیم. داستان پیدا کردن کار، جاب برای زندگی و سختی‌هایی که این بچه‌ها کشیدند، در این فصل به شکل پررنگی مورد پرداخت قرار گرفت، ماجرای مستقل شدن و شروع یک زندگی تازه تنها با یک کارت بانکی هفت میلیون تومانی که فراز و نشیب‌ها و لحظه‌های پر غم و شادی زیادی داشت.

در توصیف این زمان بیان می‌کنند: من و دیگر اعضای گروه تا مدت‌ها هر روز با این شخصیت زندگی کردیم به همین دلیل این تجربه برای من خیلی عمیق‌تر از یک فیلم یا حضور در یک اثر بوده، چون روزها در فضایی که هاشم و سهراب داشتند، زندگی کردم.

❖ تأثیر «از سرنوشت» روی مردم

وقتی مجموعه‌ای که بیننده‌های خودش را دارد ادامه دار می‌شود، طبیعتاً گروه و بازیگران هم برای ادامه این روند شاید پردغدغه یا نگران‌تر از قبل سعی می‌کنند تا کاری را ارائه کنند که جذابیت‌های لازم برای همراه کردن مخاطبان را داشته باشد. این‌که سهراب با چه نگاهی این فصل را پیش برده‌است، سوالی بود که او در پاسخ به آن می‌گوید: شکر خدا مردم چه داخل و چه حتی خارج از ایران فصل دوم این سریال را خیلی دوست داشتند و ما کلی پیام و تماس‌های دلگرم‌کننده از مردم داشتیم.

خیلی‌ها با دیدن سریال به زندگی و سرپرستی این بچه‌ها علاقه‌مند شدند و اتفاقات جالبی افتاده بود که مسؤولیت ما را چندین برابر می‌کرد تا در ادامه کار بتوانیم هم کسانی که جذب



دارند که به کار هم تنوع می‌دهد.

زندگی در قالب سهراب برای حدود دوسال هم موضوع دیگری بود که از دیباج حس و حال این همراهی را جویا شدیم. او

تفاوت‌هایی در نحوه کار آنها وجود دارد که البته به نظر من جزو چالش‌های مثبت ماجرا بوده و به کار هم کمک کرده‌است، چون در کنار آن ساختار واحد هر کدام نگاه مختص خودشان را